

ارتباط عقل و دین

(۳)

روش بررسی و تحقیق

قرآن و عقل

مسائل عملی و عقل

کتابخانه مدرسه بیضیه قم

روش بررسی و تحقیق

راه صحیح تحقیق و بررسی در نظریه يك مسلك و مرام ، و بحث و گفتگودر فرضیه و تئوری يك دانشمند ، و نقد و اصلاح دريك قانون ، و اظهار نظر در باره يك كیش و مذهب منحصر است به مطالعه در مرامنامه آن مرام ، و كنجكاوی در تألیف آن دانشمند ، و تحقیق در قانون نامه آن قانون ، و بررسی در کتاب رسمی و آئین نامه آن دین و آئین ، زیرا این آثار واقعی و زنده ، نمایش دهنده هویت آن مرام ، و نشان دهنده فکر آن دانشمند ، و معرف روح آن قانون و دین است و راهی برای دریافت و اطمینان بهتر از بررسی این آثار وجود ندارد .

بنابراین اگر کسی این راه طبیعی را کنار بگذارد؛ و بخواهد از گفته های بی اساس این و آن ؛ دوست یا دشمن بواقعیات آنها برسد ، راه صحیح را گذاشته و بیراهه رفته است .

از این نظر در تحقیق معارف دینی و حقایق اسلامی بجای اینکه افکار و عقاید و گفتار و کردار پیروان این دین را آئینه آن قرار دهیم باید مستقیماً به مدارك معتبره و آثار اسلامی مراجعه نموده و بی پرده قیافه واقعی دین را بنگریم .

قرآن و عقل

اولین اثر اسلامی و بزرگترین آئین نامه دینی که میتوان روح اسلام را در او

جستجو کرد قرآن کریم است. این کتاب آسمانی که منشور دعوت پینمبر اسلام (ص) و اثر جاویدان او بشمار میرود بمنزله قانون اساسی اسلام است زیرا هر فکر و نظری بلکه هر حدیث و روایتی که برخلاف کتاب خدا (قرآن کریم) باشد از نظر آثار دینی مردود و بی اعتبار است (۱)

در این کتاب جاودانی متجاوز از سیصد آیه وجود دارد، که ارزش عقل و اعتبار برهان از آنها استفاده میشود؛ و چون نقل همه آنها ضرورت ندارد، و مجال بیان همه آنها نیست فقط به ذکر بعضی از آنها اکتفا مینمائیم.

بطور کلی آیاتی را که در این زمینه وارد شده بچندین دسته میتوان تقسیم کرد، و مافایده دسته از آنها را بیان می کنیم :

دسته اول آیاتی است که جلوعقل بشر را بازگذاشته، و فطرت سلیم کنجکاو و حقیقت جوی او را تحریک نموده و باو آزادی فکر اعطا کرده، تا در گفته ها و سخنان؛ تحقیق و بررسی نماید و حقیقت را دریابد؛ و پیروان خود را همانطور که به تقوی امر فرموده به گفتار محکم و با اساس نیز مأمور ساخته؛ و از پیروی عامیانه مطالب مشکوک بر حذر داشته؛ و از کسانی که عقل خود را بکار نمی زنند شدیداً انتقاد کرده، و از مردمیکه از سنن خرافی نیاکان خود کور کورانه پیروی می نمایند نکوهش فرموده و با آنان سر سخنان مبارزه نموده است.

اینک ترجمه این دسته از آیات: **کتابخانه مدرسه فیهما**

۱ - (ای رسول!) مؤده بده بندگانی را که سخن را میشنوند و بهترین سخن را پیروی می کنند، آنانند مردمی که خدا رهبریشان کرده و آنانند دارندگان خردها (سوره زمر- ۲۰).

۲ - ای کسانی که ایمان آورده اید تقوی پیشه کنید و بگوئید گفتار با اساس و استوار (احزاب- ۷۱).

(۱) پیغمبر اکرم (ص) فرمود: وقتی شما حدیثی از من رسید، آن را با کتاب خدا مقایسه کنید آنچه موافق است بگیرید و آنچه مخالف است کنار بگذارید (مقدمه تفسیر مجمع البیان).

۳ - آنچه را باو علم نداری (و برای تو مشکوک است) پیروی مکن (اسراء-۳۹).

۴ - درحقیقت بدترین جنبندگان نزد خدا، کران گنگانند که بعقل درک نمیکنند (انفال-۲۳) .

۵ - چون با آنها گفته شود پیروی کنید از آنچه خدا فرستاده می گویند: ما پیروی میکنیم از آنچه پدران خود را بر آن یافته ایم آیا اگر چه پدران نشان چیزی نفهمیده و هدایت نشده باشند (باز هم از آنها پیروی میکنند)؟ (بقره-۱۶۶) .
دسته دوم آیاتی است که برنامه پیغمبر اکرم (ص)، را در راه دعوت بدین اعلام نموده ، و از آنها استفاده میشود که اساس دعوت دین پیغمبر (ص) بر پایه بصیرت و بینائی و منطق و حکمت و عقل و فهم بوده ، و در گفتگوی با مخالفین خود با منطق عقل سخن گفته ، و از آنان مطالبه دلیل و برهان نموده ؛ و سخنان آنان را بعنوان اینکه متکی به منطق و برهان نیست تقبیح فرموده ، و آنان را بجرم سخن غیر منطقی مسئول شناخته است که از آن جمله است :

۱ - (ای پیغمبر) بخوان (مردم را) براه پروردگارت باحکمت (دلیل متقن اطمینان بخش) و بآپند: ارز نیکو و با مخالفین مجادله و مناظره نما ببهترین طریق (نحل-۱۲۷) .

۲ - بگو (ای پیغمبر) این (راه مستقیم توحید) راه من است میخوانم (مردم را) از روی بصیرت و بینائی (میخوانم باین روش) خودم و هر که مرا پیروی کند (یوسف-۱۰۹) .

۳ - اهل کتاب گفتند: داخل بهشت نمیشود مگر کسیکه یهودی باشد یا نصرانی. بگو (ای رسول اکرم) به اهل کتاب: برهان خود را (بر این ادعا) بیاورید اگر راست میگوئید (بقره-۱۰۶) .

۴ - آیا با خدای یگانه، خدا و معبود دیگری هست؟ بگو (ای پیغمبر) بشارت کن: برهان خود را بیاورید (نمل-۶۶) .

۵ - و کسیکه میخواند با خدا خدای دیگری را که برهانی برای او بان نیست حساب او فقط با خدا است (و نزد خدا مسئول است) و مؤمنون-۱۱۸ .

دسته سوم - آیاتی است که بعقل بشر در فهم خود قرآن آزادی داده، بلکه بایمانهای گوناگون او را دعوت به تعقل و تفکر در آن نموده و فرموده است: اساساً این کتاب با سبکی خاص و آیات روشن نازل گردیده تا مردم در آن تعقل و تدبر نموده و گرد و غبار نسیان و غفلت از چهره فطرتشان زدوده؛ و به حقیقت این کتاب آسمانی که مطابق با ندای فطرت است متذکر گردند.

یک نکته جالب دقیق که در این دسته از آیات مشاهده میشود، موضوع تذکر و یادآوری بوسیله قرآن است، همانطور که از خود قرآن بکلمه ذکر (یادآوری) تعبیر شده است. یادآوری در موردی گفته میشود؛ که حقیقتی در وجدان انسان بوده؛ و دستخوش فراموشی قرار گرفته؛ و با یادآوری، پرده فراموشی را بالا زده و به آن حقیقت متوجه میگردد، این نکته اشاره باین است که معارف قرآن کریم یک رشته واقعیاتی است که در فطرت سلیم موجود است، ولی متأسفانه غفلت بشر و نسیان انسان حجاب آن گردیده و با تذکر و یادآوری قرآن، حجابها مرتفع و حقیقت آشکار میگردد. «علی» بایمانی روشن در این باره میفرماید: «خداوند پیغمبران را یکی پس از دیگری فرستاد، تا از مردم پیمان فطرتش را گرفته، و نعمتهای فراموش شده اش را به او یادآوری نموده؛ و در راه تبلیغ برای آنان دلیل آورده، و عقول آنان را که در زیر پرده های غفلت و نسیان پنهان گشته برانگیزند و بکار اندازند؛ و نشانه های توانائی (پروردگار را در آفرینش جهان و انسان) بایشان بنمایند». (۱)

اینک ترجمه قسمتی از این دسته از آیات:

۱ - ما این کتاب را قرآنی عربی قرار دادیم شاید شما بعقل خود (حقیقت آنرا)

دریابید (زخرف-۳).

۲ - ما نازل کردیم بسوی تو ذکر (قرآن) را تا اینکه برای مردم

بیان کنی آنچه بسوی آنها نازل شده و شاید آنها (در حقیقت آن) فکر کنند.

(نحل-۴۷).

۳ - ما فرو فرستادیم در این سوره (نور) آیات (و نشانه های) روشنی شاید

شما متذکر شوید (نور-۱) .

۴ - آیا در قرآن تدبیر نمیکنند (تا برای آنها روشن شود که این کتاب از جانب خدا است) و اگر از طرف غیر خدا میبود در آن اختلاف بسیار می یافتند (نساء - ۸۵) .

۵ - این چنین ، خدا آیاتش را برای شما بیان میکند شاید شما تعقل کنید (بقره- ۲۴۴)

۶ - کتابی است (قرآن) که نازل نمودیم آن را بسوی تو برکت داده شده ، تا تدبیر کند آیات او را و تا متذکر شوند صاحبان عقل (مریم- ۲۹) .

این بود قسمتی از آیات در باره اعتبار عقل از نظر قرآن مجید ، در مسائل دینی و غیر دینی ؛ و در قسمتهای دیگر از این آیات ، مخصوصاً آیات معارف و عقاید که در قرآن کریم بنحو مستدل و منطقی به برهان عقلی ، بیان شده ؛ این معنی بخوبی محسوس است با ملاحظه این آیات بخوبی روشن میشود ، که پذیرفتن دین باید از روی برهان و استدلال باشد ، از همین نظر علماء اسلامی در عقاید دینی تقلید را جایز نموده و فرموده اند :

هر کس باندازه استعداد خود ، باید در اصول اعتقادات بررسی نموده و از روی دلیل ؛ بدین حق معتقد شود .

مسائل عملی و عقل

پس از تحقیق و بررسی در معارف دینی ؛ و ادراک عقلی در اصول عقاید ؛ و تشخیص دین حق و کتاب آسمانی ، و اعتقاد به صحت گفتار پیغمبر راستگوی مصون از خطا ، در مقام کار بستن دستورات دینی ، کفایت که ما دستور العمل را از کتاب او گرفته و عمل نمائیم ، و با علم باینکه هر چه آن پیغمبر میگوید ، کلام خدا و وحی آسمانی و صد در صد موافق با مصلحت مادی و معنوی است ، ضرورت ندارد ، که ما مصلحت هر جزئی از دستورات عملی را با عقل درک کنیم ، زیرا پیغمبر راستگو در مصونیت از خطا کمتر از یک دکتر و در اعتماد نیست که ما بدون چون و چرا نسخه او را عمل می کنیم ، با اینکه احتمال خطا در تشخیص دکتر موجود است ولی در گفتار پیغمبر هیچگونه احتمال خطا وجود ندارد ، و همچنین مغز یک پیغمبر که از

وحی الهام میگیرد که مژاز ماشین محاسبه و مغز الکترونیک نیست؛ که در يك ثانيه يك مليون جمع بمانشان میدهد، و ما بدون رسیدگی شخصی اعتماد بر محاسبه آن نموده، و امور مهم زندگی را روی آن حساب میگذاریم، تا آنجا که دانشمندان در امر دقیق اطلاعات ایستگاههای فضائی، و سفینههای حامل انسان، از این ماشینها استفاده کرده و به محاسبه آن اعتماد مینمایند.

ولی در عین حال، قرآن مجید در اینگونه مسائل هم مردم را کور کورانه دعوت به عمل ننموده؛ بلکه تا آنجا که عقل آنها راه تشخیص داشته، اسلام و قرآن از تشخیص او کمک گرفته، و او را به تعقل در همان مسائل عملی؛ علاوه بر عمل با آنها خوانده است. و بطور کلی میتوان گفت مسائل عملی که باید بکار بسته شود یا ترک شود بر سه گونه است:

الف- مسائلی که عقل بشر استقلال فهم آنها را دارد. در این مسائل علاوه بر عمل امر به تعقل در آنها هم شده است و بر این قسم از مسائل آیاتی کاملا دلالت دارد؛ که از آن جمله است این آیه شریفه:

بگو (ای پیغمبر): بیائید بخوانم بر شما آنچه را پروردگارتان بر شما حرام نموده؛ برای خدا شریک قرار ندهید و پدرو مادر نیکی کنید و فرزندانان را از ترس فقر و گرسنگی نکشید، ما شما و آنها را روزی میدهیم. نزدیک کارهای زشت آشکار و پنهان آن نگردید، خون کسی را که خدا حرام کرده؛ مریزید مگر بحق (که مستحق کشتن باشد) خدا شما را باینها سفارش میکند شاید شما تعقل کنید (انعام-۱۵۳)

بطوریکه ملاحظه میشود، مسائل عملی که در این آیه شریفه با آنها امر شده مانند نیکی به پدرو مادر؛ و کارهایی که از آن نهی و جلوگیری نموده مانند شرک، کشتن فرزندان؛ کارهای زشت، ریختن خون بیگناه، اموری است که عقل انسان حسن و قبح آنها را درک می کند، از اینرو مانند مسائل اعتقادی در آنها امر به تعقل و تدبیر شده است.

ب- مسائلی که عقل بشر راه تشخیص آنها را ندارد (۱) در اینگونه مسائل قرآن مجید برای مردم فوائد آن اعمال را که مورد امر قرار گرفته ؛ و مفاسد کارهایی را که از آنها جلوگیری شده ؛ بیان فرموده ، که مردم با توجه بآن مصالح و مفاسد ؛ به آن دستورات عمل نمایند و البته این فلسفه‌ای که خود قرآن مجید برای این مسائل بیان میکند ، بما اجازه نمیدهد که ما هم از پیش خود برای آنها فلسفه‌ای بیان کنیم و آیات زیر بر این قسم دلالت دارند :

۱ - نماز باز میدارد (نماز گذار را) از کارهای زشت و بد (عنکبوت-۴۵)

۲ - روزه بر شما نوشته شده ... شاید شما دارای تقوی شوید .

۳ - شیطان میخواهد میان شما دشمنی بیاورد با شراب و قمار (مائده ۳۹)

ج - مسائلی که عقل بشر قادر به فهم آن نیست ، و برای آن مسائل هم ، فلسفه خاصی ذکر نشده (شاید از این نظر بوده که بشر از درک فلسفه آنها نیز عاجز است) مانند مسئله تیمم بخاک در مورد نبودن آب . ولی بطور کلی ، قرآن مجید بیان فرموده ؛ که این دستورات دارای حکمت و مصلحت است (گوا اینکه ما از درک بعضی از آنها عاجزیم) ، باین معنی آیاتی از قرآن مجید دلالت دارد که از آن جمله است :

۱ - ای کسانی که ایمان آورده اید اجابت کنید خدا و رسول را هنگامیکه

بخواند شما را برای اینکه شمارازنده کند (انفال-۲۴)

بطوریکه ملاحظه میشود ، نتیجه دعوت پیامبر اکرم (ص) را ، زندگی واقعی (از نظر مادی و معنوی) قرارداد و هر جزئی از جزئیات این دین ، در تحصیل این نتیجه مؤثر است (گوا اینکه ما کیفیت ارتباط بعضی از مسائل را با حیات و زندگی مادی و معنوی درک نکنیم) .

در اینگونه از دستورات است ، که ما باید به توان تعبد ، مانند دستور دیگر مورد اعتماد ، بدون چون و چرا ، با اطمینان باینکه این دستورات صددرصد مطابق با صلاح ما است ، پذیرفته و عمل نمائیم .

(۱) در شماره گذشته ما در باره محدودیت نیروی تشخیص بشر

گفتگو کردیم

با این منطق عالی اسلام ، دودسته از مردم در دو قطب مخالف ، در افراط و تفریط قرار گرفته ؛ و بین مسائل اصولی و فرعی فرق نگذاشته اند .

دسته ای از آنها چنین می پندارند که متدین اساساً حق بحث و گفتگو ، در هیچ یک از مباحث دینی نداشته و عقل او صلاحیت ندارد که در این میدان قدم بگذارد ؛ برای تنبیه این دسته مطالعه آیاتی که بیان شد کافی است .

دسته ای دیگر ، که غالباً همان فرزندان دسته اولند ، که کم و بیش دانشی آموخته اند ، به نظریه پدران خود قانع نشده بلکه پارا بالاتر نهاده ؛ و میگویند ما هر چیزی را تا با عقل خود نفهمیم نمی پذیریم ؛ اینگونه افراد باید در ابتداء ، در مسائل اعتقادی و معارف اسلامی ؛ که عقل صلاحیت تحقیق در آن مسائل را دارد تدبر و تأمل کنند ، تا حقیقت دین برای آنها روشن شود ؛ و بدانند که هر مسئله ای برای عقل قابل درک نیست ، و بعضی از مسائل راه اثبات عقلی نداشته ؛ و طریق حل آن منحصر است بدلیل نقلی معتبر ، (همانطور که در شماره گذشته به تفصیل بیان شد) .

بهترین جهاد!

«بهترین جهاد ؛ جهاد بانفس است که در میان دو پهلوئی آدمی قرار گرفته است» .

«بهترین جهاد نصیب کسی است که شب را برونزاند و قصدستم بکسی را نداشته باشد» .

(قرب الاسناد پیغمبر اکرم (ص))